

گورانی^۱

دی. ان. مکنزی^۲

برگردان: مهدی سجادی^۳

دانش‌آموخته دکتری تخصصی زبان‌شناسی، دانشگاه تهران

گورانی^۴ از نام گویشی گرفته شده است که اکنون محدود به منطقه واقع در شمال غرب روستای گهواره (۳۵ مایلی غرب کرمانشاه) است. این زبان شامل گروهی از گویش‌های ایرانی غربی شمالی^۵ مشابه از جمله گویش کندوله در ۲۵ مایلی شمال غرب کرمانشاه و باجلانی در منطقه‌ای در اطراف زهاب و قصرشیرین با شاخه‌ای در میان روستاهای شبک، صارلی و باجلان (بیجوان^۶) نشین در شرق شهر موصل در عراق است. کهن‌ترین گونه آن از بسیاری جهات، گویش منطقه کوهستانی هورامان (آورمان) در امتداد مرز عراق- ایران تا غرب سندج است. به استثنای هورامی (آورمانی)، متأسفانه درباره همه این گویش‌ها اطلاعات قابل دسترسی هنوز آنقدر محدود و ناکافی است که نمی‌توان توصیف کاملی از آنها به دست داد. گورانی در برهه‌ای زمانی زبان ادبی بوده است. این گورانی ادبی^۷ در ساختار خود با همه گویش‌های موجود از جهات مختلفی متفاوت است. به طور مشخص،

¹ Mackenzie, D. N. (2018, October 23). Gurāni. Retrieved from

<http://www.iranicaonline.org/articles/gurani>

Gurāni: Originally Published: December 15, 2002. Last Updated: February 24, 2012. This article is available in print: Vol. XI, Fasc. 4, pp. 401-403

² Mackenzie, D. N.

³ E-mail: m.sadjadi58@yahoo.com

⁴ گورانی که هورامی نیز خوانده می‌شود، یکی از زبان‌های ایرانی شاخه غربی شمالی است که در بخش‌هایی از سه کشور ایران، عراق و ترکیه به آن تکلم می‌شود. گویشوران گورانی در ایران عمدتاً در دو استان کرمانشاه و کردستان سکونت دارند. برخلاف تصور عامه، گورانی گونه‌ای کردی نیست بلکه زبانی مستقل و متمایز از کردی است. به این زبان ادبیاتی کهن و غنی اعم از مذهبی و غیرمذهبی وجود دارد. از آن جا که مناطق گورانی نشین توسط کُردها احاطه شده است، گویشوران گورانی همواره، به‌ویژه پس از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، به شدت در معرض همگونی زبانی با کردی قرار داشته‌اند و روز به روز از تعداد آنها کاسته شده است به گونه‌ای که این زبان از سوی یونسکو به عنوان یکی از زبان‌های ایرانی در معرض خطر فراموشی معرفی گردیده است. (مترجم)

⁵ North- west

⁶ Bējwān

⁷ koinē

تصریف اسمی آن تا حد قابل توجهی کم است.

خاستگاه همهٔ گویش‌های گورانی (و نیز گونه‌های مرتبط و نزدیک به آنها مانند زازا یا دِملی^۱) احتمالاً استان‌های خزری است. همهٔ گویشوران آنها با هم در گذشته (زمانی نامعلوم) از آنجا به زاگرس جنوبی مهاجرت کرده‌اند و پس از آن، گروه‌های کنونی موجود در عراق، به آنجا رفته‌اند. فرض بر این است که این گویش‌ها زمانی گسترهٔ جغرافیایی به مراتب وسیع‌تری داشته‌اند، اما بعدها بسیاری از مناطق گورانی‌نشین مورد هجوم و اشغال گویشوران کُرد قرار گرفته‌اند به گونه‌ای که منجر به درهم‌آمیزی دو زبان گشته است. تفاوت‌های بین گویش‌های کردی شمالی کهن و مرکزی متأثر از گورانی، دلیل روشنی بر این ادعاست.

۱. زبان

ویژگی‌های واجی که گورانی را به پارسی کهن شبیه می‌کند و آن را به لحاظ تاریخی هم از کردی و هم از فارسی متمایز می‌سازد، عبارتند از:

(۱) حفظ «w-» آغازین: wā = باد، wāt-/wāč- = گفتن، warwa (گهواره‌ای: wafr) = برف،

(اما کندوله‌ای: varwa، wāt-/wāč-، vā: v- در برابر (کردی: bafr، bēž، bā).

(۲) تبدیل «hw-» آغازین به «w-» در همهٔ گویش‌ها (اما با «h-» اتفاقی در جایگاه دوم

در باجلانی): wē = خود، war = آفتاب، warm = خواب (مقایسه شود با xwamr پارسی)،

wit-/ūs- = خوابیدن، wātē = خواهر، wārd-/war- = خوردن، (باجلانی: wī-/hē-

hōr, hōrm, hut-/ōs- اما wātā, wārd-/ōr-، (کردی: xawt-, xwar/xōr, xō-

./xaw-, xušk, xwārd-/xō-

(۳) ادغام «y-» و «wy-» آغازین به «y-»: yawa = جو، (هورامی: yahar = جگر، کبد؛

yāgar = جا، مکان) (پارسی: wyāg)، (کردی: ĵaw, ĵarg, ĵē).

^۱ Dimli

^۲ در برخی از گویش‌های دیگر از جمله هورامی تختی و لُهونی (لهجهٔ نودشه‌ای) مانند گویش کندوله‌ای به جای w از v استفاده می‌شود (م).

^۳ در هورامی «yāgē» به کار می‌رود (م).

۴) تبدیل «dw-» آغازین به «b-»: bara = در (پارتی: bar)، (کردی: dar)
 ۵) تبدیل «x-» آغازین به «h-»: har = خر، hāna = چشمه، (کردی: kar, kārī)
 ۶) تبدیل «-rd-» به «-l-» در واژه‌های غیرفارسی: هورامی: wilī = گُل، کندوله‌ای: zil =
 قلب، کردی: gut, dit

۷) نگهداشت «-m» و نیز «-šm»: zamīn = زمین، čam = چشم، (کردی: zawī, čāw).
 با این حال، این تصویر از ویژگی‌های واجی گورانی به دلیل واژه‌های مشترک زیاد بین گورانی، کردی و گویش‌های لری و لکی مجاور مغشوش می‌شود. نظام واجی همه گویش‌های گورانی خیلی شبیه به نظام واجی گویش‌های کردی مجاور است. در گورانی هم مانند آنها بین /l/ کامی^۲ و /t/ نرم‌کامی^۳، /r/ زنشی^۴ و /r̄/ غلتان^۵، واکه‌های /ō/، /ē/، /ū/، /ī/ و کاربرد واج‌های عربی مانند /ħ/، /ʕ/، /s̄/ در نواحی‌ای که رواج دارند، تمایز وجود دارد. در خود گورانی و کندوله‌ای، /ō/ و /ū/ با پیشین‌شدگی^۶ و در نتیجه تبدیل آنها به /ū/ و /ū̄/ به ترتیب، هنوز متمایز نگه داشته شده‌اند: هورامی: čō = چوب، rō = روز، r̄ūa = چهره، tūta = سگ؛ گهوارهای: cū, r̄ū, r̄ū̄, tūta.
 بیشتر گویش‌ها دارای تمایز دو شمار و دو حالت (فاعلی^۸ و غیرفاعلی^۹) در تصریف اسمی‌اند، اما تنها هورامی تمایز دو جنس دستوری یکپارچه‌تری را نگه داشته است. این تمایز نه تنها خود را در صورت مفرد صرف اسمی، ضمیری و صفتی نشان می‌دهد بلکه در افعال اسم‌گونه^{۱۰} مفرد نیز دیده می‌شود. در ابتدای این قرن در کندوله‌ای رد پاهایی از این تمایز هنوز قابل مشاهده بود. تکواژ غیرفاعلی مفرد در کندوله‌ای و باجلانی «-ī» است در جایی که هورامی برای مفرد مذکر «-ī» و مفرد مؤنث «-ē» دارد. هورامی همچنین تمایز حالت را در اسامی جمع، مذکر و مؤنث دارد: فاعلی: «-ī»،

^۱ در هورامی «zēfi» که مؤنث است، کاربرد دارد (م).

^۲ palatal
^۳ velar
^۴ tapped
^۵ rolled

^۶ اح، اع، اص (م)

^۷ progression
^۸ direct
^۹ oblique
^{۱۰} substantive verbs

غیرفاعلی: «-ā». در کندوله‌ای پایانه جمع «-ān» می‌تواند در هر دو حالت ظاهر شود در حالی که «-ī» تنها پس از اعداد اصلی می‌آید. پسوند اسم جمع «-gal» و «-yal» نیز به عنوان پایانه جمع کاربرد زیادی دارد. بیشتر گویش‌ها (غیر از گونه ادبی) مانند کردی مجاورشان دارای دو پسوند معرفه‌ساز تکیه‌دار «-aka» برای مذکر و «-akē» برای مؤنث (در هورامی) ^۱ و «-akī» برای مؤنث (در کندوله‌ای) و صفت اشاره «-a» در ترکیب هستند. پسوند «-aka» آنچنان ارتباط تنگاتنگی با اسم دارد که هم پیش از پایانه‌های تصریفی و هم پسوندهای ملکی می‌آید. مفرد و نکره بودن با پسوند «-ī» یا «-īk» بیان می‌شود. در هورامی اگر اسم مذکر باشد، از «-ēw» و اگر مؤنث باشد، از «-ēwa» استفاده می‌گردد: har = خر، harē = خرها، harēw = یک خر / خری، haraka = خر (معرفه)، harakē = خرها (معرفه)، haraka-m = خر (معرفه) م، harakā- / harakay-m / harakay / karakay / m(bāra) = خر (معرفه) / خر (معرفه) م / خرها (معرفه) یم را (بیاور). ī hara = این خر، ā harā / ā harā-m-a (bisāna) / harā-m-a = آن خر / خرم / خرهایم را (بخر). māhara = ماده خر، māharē = ماده خرها، māharēwa = ماده خری، māharakē = ماده خر (معرفه). ساخت اضافه در هورامی («-ū» برای اسمی و «-ī» برای صفتی)، در کندوله‌ای (کلاً «-ī») و در دیگر گویش‌ها مانند گونه ادبی «-ī» است. با این حال، گروه اسمی‌ای که با «-aka» یا «-a» معرفه شده است، مانند کردی مجاور آنها ترکیبی باز تشکیل می‌دهد. صفات اسنادی ^۲ صرف نمی‌شوند بجز در هورامی، جایی که با واژه‌هایی که توصیف می‌کنند، مطابقت دارند: har(ēw)-ī pīr = خری پیر / har-a-pīraka = خر پیر (معرفه)، ā harā-pīrakē = آن خرهای پیر، māharēwa-y pīrē = ماده خری پیر، māhara-pīrakē = ماده خر پیر (معرفه)، ā māhara-pīrē-ma = آن ماده خر پیر من. ضمائر شخصی و اشاره

^۱ این پسوند معرفه‌ساز از گورانی وارد کردی شده است (م).

^۲ در برخی گویش‌ها از جمله هورامی تختی و لهنوی، در زیرساخت «-ev» است اما چون /v/ در جایگاه پایانی واژه ظاهر نمی‌شود، به [ew-] تبدیل می‌گردد (م).

^۳ این ساخت نیز از گورانی وارد کردی شده است (م).

^۴ attributive

^۵ در هورامی «ā hara pīrē» یا «hara pīrakē» کاربرد دارد (م).

^۶ در هورامی «māharēv(w)ay pīra» به کار می‌رود (م).

شده؛ ēšāy , ēš = درد کردن، دردناک بودن: ēšnāy , ēš = آزردن، آسیب رساندن». برخی از افعال خاص عبارتند از: « āmāy (گونه ادبی: āmān)، -a = آمدن؛ bīāy , b- = بودن، شدن؛ gēfāy , gēf- = گشتن، پرسه زدن؛ karday , kar- = انجام دادن، ساختن؛ kīānāy , kīān- = فرستادن؛ lūāy , l- = رفتن؛ midrāy , midra- = ایستادن؛ wārday , war- = خوردن؛ witay , ūs- = خوابیدن؛ wīarday , wīar- = گذشتن، عبور کردن؛ xūāy , xū- = خندیدن؛ yāwāy , yāw- = رسیدن». افعالی وجود دارند که با قیدهای پیش / پس فعلی ترکیب می‌شوند که گاهی اوقات به طور غیر قابل پیش‌بینی معنی آنها را توصیف می‌کنند. این قیده‌ها عبارتند از: « hur- = بالا؛ -ana = روی؛ -ara = پایین؛ -awa = باز / پس / دوباره / بر»؛ awa-karday = باز کردن، awa-wārday = نوشیدن، ana-yāwāy = فهمیدن / درک کردن». حروف اضافه معمول و رایج عبارتند از: « ba = روی / به / با / ...؛ čānī = با / همراه؛ ja = از؛ pay = به / برای؛ na = در / به (گونه ادبی)». اینها می‌توانند با پس‌افزافه‌ها ترکیب شوند و این ترکیب‌ها هم صورت‌های مطلق و مستقلی بسازند که بر پسوندهای ضمیری‌ای حاکمیت داشته باشند که بیشتر در جمله ظاهر شده‌اند: « $\text{ja} \dots \dots \dots \text{ana}$ \Leftarrow čāna = در؛ $\text{ba} \dots \dots \dots \text{ana}$ \Leftarrow pana = به؛ $\text{wāčē ba ēma} = \text{wāčē-mā pana}$ = به ما می‌گفت».

۲. ادبیات

گورانی تحت حاکمیت حاکمان مستقل اردلان (قرن ۹-۱۴ / ۱۴-۱۹ میلادی) که آخرین پایتختشان سنندج بود، به زبان مجموعه قابل توجهی از ادبیات منظوم تبدیل شد که تا پیدایش ادبیات کردی در قرن گذشته، در جنوب شرقی کردستان رایج بود. گورانی زبان اصلی کتاب مقدس فرقه اهل حق بود و اکنون نیز هست که در اطراف گهواره متمرکز بودند. در مقابل، آثار منثور به آن به ندرت یافت می‌شوند. ساختار شعر گورانی خیلی ساده و یکنواخت است. این شعر تقریباً به طور کامل متشکل از بندهایی با دو مصراع قافیه‌دار است که هر کدام، بدون توجه به کمیت هجاها، ده‌هجایی هستند. در وسط هر مصراع مکتبی منظم و اضافه‌ای هجایی یا حرف ربط « ū = و» وجود دارد که اگر در این جایگاه قرار نگیرد، حذف می‌شود:

$\text{dimāy ḥamd-i zāt[-i] \text{ } \backslash \text{ } \text{ĵahān- āfarīn}$

yāwām pay tārif-[ī] \ šā-y kāwar-zamin

پس از سپاس و ستایش ذات جهان آفرین / به تعریف و وصف شاه مغرب‌زمین نایل گشتم.

معمولاً تنها نخستین مصراع اشعار غنایی به پنج هجا تقلیل می‌یابد:

čirāk ja kaw-dā

nīmašaw āmāy \ ja šīrīn kaw-dā

آه! ای فروغ (زندگیم) در خواب

نیمه‌شب [در حالی که من] در خواب شیرین [بودم] آمدی.

بیشتر کلام‌های رمزگونه و طولانی اهل حق از ابیات دوگانه تک‌قافیه تشکیل می‌شوند که

نخستین مصراع پنج‌هجایی در پایان دومی تکرار می‌شود:

bīān wa lā-wa

gūlāmān wa nāz \ bīān wa lā-wa

durr-imān nīān \ n-ay baḥr ū āwa

binyāmīn āwird \ durr-iš na-škāwa

بگذار به کنار (دریا) بیایند

بگذار خدمتکاران با ناز و عشوه به کنار (دریا) بیایند

دُرّی را در این اقیاس و آب قرار داده‌ایم

بنیامین (آن را) آورد، دُرّ را نشکسته است

اسم حدود چهل (و شاید بیشتر) شاعر که به گورانی نوشته‌اند، مشخص است اما جزئیات

زندگی و حتی تاریخ تولد و وفاتشان در بیشتر موارد معلوم نیست. شاید ملاً پریشان، نویسندهٔ مثنوی

با بیش از ۵۰۰ بیت دربارهٔ مذهب شیعه، متقدم‌ترین آنها باشد. با این حال، بیشتر آنها از جمله

محزونی، شیخ مصطفی تختی، خانای قبادی، یوسف یسکا و احمد بگ کوماسی در قرون ۱۱-۱۳

هجری قمری / ۱۷-۱۹ میلادی می‌زیسته‌اند. متأخرترین آنها که دیوانی را به گورانی به پایان

رسانده است، عبدالرحیم (۸۲-۱۸۰۶ میلادی) تاوگوزی، در جنوب حلبچه، مشهور به معدومی یا

معمولاً مولوی است. علاوه بر آثار این شاعران نامدار، مثنوی‌های حماسی یا رمانتیک زیاد و طولانی‌تر

و تقریباً ناشناس دربارهٔ موضوعاتی که در ادبیات فارسی شناخته‌شده هستند، وجود دارند: بیژن و

منیژه، خورشید و خاور، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد، هفت خوان رستم، سلطان

مجموعه و غیره. مجموعهٔ نسخ خطی این آثار احتمالاً در کتابخانه‌های ملی برلین، لندن و پاریس یافت شوند.

منابع پیشنهادی

- Christensen, A., & Benedictsen 11, Å. M. (1921). *Les dialects d' Awromān et de Pāvā*. Copenhagen.
- Fuad, K. (1970). *Kurdische Handschriften, Verzeichnis der orientalischen Handschriften in Deutschland 30*. Wiesbaden.
- Hadank, K. (1930). *Mundarten der Gūrān*. Berlin.
- MacKenzie, D. N. (1956). Bājalānī. *BSOAS 18*, 418- 435.
- Idem (1965). Some Gorānī Lyric verse. *BSOAS 28*, 255- 283.
- Idem (1966). *The Dialect of Awromān (Hawrāmān-ī Lūhōn)*. Copenhagen.
- Idem (1967). *Le Chasseur de Dieu et le mythe du Roi- Aigle (Dawra-y Dāmyāri)*. Wiesbaden.
- Minorsky, V. (1943). The Gūrān. *BSOAS 11*, 75-103.
- Mokri, M. (1966). *La Légende de Bīžan-u Maniž a*. Paris.
- Rieu, C. (1881). Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum II, *London*, 255- 283.
- Soltani, A. ed. (1998). *Anthology of Gorani Poetry, Compiled by A. M. Mardoukhi (1739-1797)*. London.